



راه های تقویت بهداشت روانی دانش آموزان

ناهید داداش زاده، یاسمن عبدالهی، نویده موسوی، اکبر یوسفی

۱. کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت از دانشگاه پیام نور واحد خوی

۲. کارشناسی علوم تربیتی از دانشگاه فرهنگیان واحد خوی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی از دانشگاه آزاد واحد خوی

۴. کارشناسی علوم تربیتی از دانشگاه پیام نور واحد ماکو



MDOI-02-2026.0095
MNR-96-2-CFBED5

چکیده

ایجاد محیطی که در آن کودکان احساس امنیت و حمایت کنند، برای ارتقای سلامت روان ضروری است. مدارس می توانند سیاست هایی را اجرا کنند که ایمنی عاطفی و جسمی دانش آموزان را در اولویت قرار دهد. رسیدن به اهداف آموزشی که مدارس به عنوان اهداف اساسی خود به آنها توجه دارند مستلزم تامین بهداشت روانی دانش آموزان است. تحقیقات متعدد نشان می دهد که سلامت روانی دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی آنها رابطه دارد. و دانش آموزانی که به نحوی از مشکلات روانی یا از فقدان بهداشت روانی مناسب رنج می برند اغلب با افت تحصیلی مواجه هستند. بنابراین ضروری به نظر می رسد جهت تامین شرایط مناسب برای نیل به اهداف آموزشی، تربیتی و تضمین سلامت افراد در جامعه در سنین مختلف اعمال شیوه های مناسب جهت تامین بهداشت روانی در مدارس مدنظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: بهداشت روانی، مدرسه، معلم، دانش آموزان



مقدمه

مدارس همان گونه که در پرورش و شکوفایی استعداد دانش آموزان مهم ترین نقش را ایفا می کنند، در برقراری آرامش روانی، نشاط، سلامت روح و جسم آنان یا برعکس، افسردگی و گوشه گیری آنها نیز دخیل اند. معلمان باید مانند والدین کودک یا حتی مهربان تر از آنان باشند. دانش آموزی که متعلق به خانواده ای از هم گسیخته است، به یک تکیه گاه و پشتوانه مطمئن نیاز دارد. این چنین کودکی ممکن است به علت احساس فقدان امنیت به آسانی به کسی اطمینان نکند و ناراحتی خود را بروز ندهد. به این ترتیب یا به کودکی افسرده و منزوی تبدیل می شود یا با پرخاشگری و آزار و اذیت اطرافیان بر احساس درونی خویش غلبه می کند. در چنین مواردی فقط یک مربی مهربان، دلسوز و فداکار می تواند با جلب اطمینان کودک به خود، مشکل او را جویا شده و این موجود بی پناه را از سرگردانی، دلهره و اضطراب نجات دهد. محیط مدرسه باید به گونه ای باشد که کودک در آن احساس امنیت کند و با میل و رغبت به آنجا قدم گذارد. باید توجه داشت در نظر گرفتن مدرسه تنها به عنوان یک محیط آموزشی با مجموعه ای از قوانین خشک انضباطی و تربیتی نمی تواند در برانگیختن انگیزه کودکان به سوی علم و دانش موثر واقع شود. تاثیر معلم در تربیت دانش آموز بر هیچ کس پوشیده نیست، تماس نزدیک بین معلم و دانش آموز و نفوذی که معلم بر دانش آموز دارد نقش مهمی در علامت فکری و روانی ایشان ایفا می کند و ممکن است به شیوه های گوناگون مثل تقلید الگوسازی و گاهی اوقات همانندسازی بروز کند. معلم باید علاوه بر نقش تربیتی و پرورشی که در مدارس انجام می دهد الگودهی را به عنوان یک ابزار تربیتی مورد استفاده قرار دهد. معلم به دقت، تفکر دانش آموزان را تحت نظر قرار می دهد در مواقع مناسب توجه آنان را به کل هستی و مبدا خلقت جلب نماید و همچنین با رفتار خود ارزش ها را در دانش آموزان درونی سازد. روانشناسان و مربیان تعلیم و تربیت معلم را مرجع واقعیت برای کودک می دانند، در این حیطه از آنان انتظار می رود رفتار فعالیت های معمولی خویش را براساس اصول و ضوابط سلامت روان مورد آزمون و ارزشیابی قرار دهند و با آزمون نگرش ها و احساسات، ارزشها و رفتار خویش از سویی و مشاهده ی کودکان و تعبیر و تفسیر رفتار آنان و کشف مشکلاتشان می توانند موفقیت های آموزشی را در جهت مثبت، پیشگیری و یادمانی از نو سازمان دهند. شناخت توانائیها، نیازها، ناسازگاریها و ویژگیهای رفتار و خصوصیات روانی کودکان و نوجوانان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این شناخت باعث درک کودکان می شود و همچنین زمینه ای برای برنامه ریزی و به کار بردن امکانات آموزشی و پرورشی می شود، مادامی که کودکان نتوانند تحمل کردن مدرسه را یاد بگیرند کوشش در زمینه ی یادگیری آنان بی ثمر خواهد بود. کودکان آسیب پذیر از لحاظ عاطفی را نمی توان مجبور به شرکت در فعالیتهای مدرسه کرد مگر آن که بتوانند معلم و مدرسه را بپذیرند و به آن اطمینان و اعتماد کنند، فشار بر چنین کودکانی تنها براساس تهدید در آنان می افزاید و این افزایش به نوبه ی خود اضطراب نفرت و اشکال مختلف رفتار منفی گرایانه را در آنان تشدید می کند.

تعریف بهداشت روانی

سازمان بهداشت جهانی، بهداشت روانی را این گونه تعریف می‌کند: «بهداشت روانی در درون مفهوم کلی بهداشت قرار دارد و بهداشت یعنی توانایی کامل برای ایفای نقش‌های روانی و جسمی؛ بنابراین بهداشت به معنای نبود بیماری یا عقب‌ماندگی نیست.» از نظر انجمن بهداشت روانی کانادا نیز بهداشت روانی یعنی «توانایی سازگاری با دیدگاه‌های خود، دیگران و رویارویی با مشکلات روزمره زندگی». آری، بهداشت روانی همان سلامت فکر و قدرت سازگاری فرد با محیط و اطرافیان است. همچنان که از جسم خود مراقبت می‌کنیم روح خویش را نیز باید مقاوم‌تر سازیم تا زندگی بهتری داشته باشیم. در زندگی «چگونه بودن» خیلی مهم‌تر از «بودن یا نبودن» است. ایجاد فرصت برای شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها، کنار آمدن با خود و دیگران یکی از اهداف مهم و اساسی بهداشت روانی می‌باشد. برای همین اولیای مدرسه در سلامت روان دانش‌آموزان دارای نقش‌های حرفه‌ای هستند.

عوامل موثر در بهداشت روانی:

تغذیه

حالات روحی ما در انتخاب نوع غذایی که می‌خوریم موثرند. ما در حالات مختلف غذاهای متفاوتی را طلب می‌کنیم، هنگام احساس قدرت و پیروزی به غذاهای گوشتی، هنگام احساس تنوع و تحول به غذاهایی با انواع سس و هنگام اضطراب یا پرخاشگری به خوراکی‌های گاز زدن‌ی تمایل داریم در حالی که وقتی خسته هستیم چای و قهوه را ترجیح می‌دهیم. بنابراین با شناخت خود و سوخت و ساز بدن می‌توانیم با انتخاب مواد خوراکی مناسب به آرامش بیشتری دست یافته و از خوردن لذت ببریم:

ایمان

اعتقادات و باورهای مذهبی قادر است در مصیبت‌های زندگی، از فرد افسرده و مایوس، انسانی امیدوار و محکم بسازد، چنانکه هرگز خود را تنها و بی‌مناک احساس نکند. او باور دارد که خدا پیوسته با اوست، در رویارویی با سختی‌های زندگی تنها نیست و خدای مهربان به او علاقه و توجه دارد. این باور موجب می‌شود که فرد علیه انزوا طلبی و گوشه‌گیری که بسیاری از مبتلایان به امراض خطرناک را از پای در می‌آورد، ایمن شود.

مسئولیت اولیای مدرسه فقط در پرورش نیروی عقلی و آشنا کردن دانش آموزان به مسائل اجتماعی و اخلاقی خلاصه نمی شود. مدرسه مسئول تغییر و اصلاح رفتارهای ناسازگارانه و تامین بلوغ عاطفی و سلامت روانی دانش آموزان نیز می باشد. در مدرسه فرزندان دوست داشتن و دوست داشته شدن را تجربه می کنند، معلم با تکریم شخصیت، محبت و توجه، آنان را در مسیر صحیح هدایت می کند، دانش آموز در مدرسه چگونگی برقراری روابط درست عاطفی، سازگاری با دیگران و مسئولیت پذیری را می آموزد و راههای مبارزه با کینه توزی، دیگر آزاری و حسادت را یاد می گیرد.

ورزش

ورزش یکی از رموز سلامت جسمانی و روانی است. افراد دارای آمادگی جسمانی از لحاظ احساسات، عواطف، شخصیت اجتماعی و نعدوستی کاملتر و در فعالیتهای شغلی و حرفه ای موفق ترند. ورزش موجب تقویت اعتماد به نفس در فرد شده، او را متعادل، متفکر و سازگار با محیط می کند. با ورزش، شخص کمتر دچار حسادت، حقارت و ستیزه جویی می شود و در نتیجه از سلامت روانی بهتری برخوردار خواهد بود.

راههای تقویت بهداشت روانی فرزندان:

- اگر با ناراحتی های روانی کودکان، نوجوانان و جوانان روبرو شدیم با حوصله و متانت آن ها را رفع کنیم و از تصمیم های عجولانه بپرهیزیم.
- در ناراحتی های شدید، درد دل و گریه کردن باعث تخلیه روانی و آرامش می شود، در این شرایط از یک دوست صمیمی می توانیم کمک بگیریم.
- مشارکت جو باشیم تا دوستان جدید بیابیم.
- از مشاهده فعالیت های جدید فرزندانمان لذت ببریم.
- با پرورش ابعاد روحی، معنوی و مذهبی شخصیت خود و فرزندانمان به سلامت روانی بالاتری دست یابیم.
- با احترام به دیگران به بهداشت روانی خود و دیگران کمک کنیم.
- زمینه های اعتماد را فراهم کنیم.
- به احساسات فرزندانمان توجه کنیم و ویژگی های آنها را بشناسیم.



- محیط زندگی را در حد توان جذاب و پرنشاط کنیم .

- فرصت های مناسب برای بروز احساسات و شخصیت فرزندانمان ایجاد کنیم.

- به دست آوردن بهداشت روانی منوط به روبرو شدن با واقعیت، سازگار شدن با تغییرات، ظرفیت داشتن برای مقابله با اضطراب ها، کم توقع بودن، احترام قائل شدن به دیگران و ... است، بکوشیم این شرایط در خانواده فراهم شود.

- رفتار والدین در خانواده بگونه ای باشد تا فرزندان خود را در زندگی شاد، خوشحال و فارغ از گرفتاری های احساس کنند.

نقش مدرسه در بهداشت روانی

ضرورت بهداشت روانی در مدارس:

رسیدن به اهداف آموزشی که مدارس به عنوان اهداف اساسی خود به آنها توجه دارند مستلزم تامین بهداشت روانی دانش آموزان است. تحقیقات متعدد نشان می دهد که سلامت روانی دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی آنها رابطه دارد. و دانش آموزانی که به نحوی از مشکلات روانی یا از فقدان بهداشت روانی مناسب رنج می برند اغلب با افت تحصیلی مواجه هستند. بنابراین ضروری به نظر می رسد جهت تامین شرایط مناسب برای نیل به اهداف آموزشی ، تربیتی و تضمین سلامت افراد در جامعه در سنین مختلف اعمال شیوه های مناسب جهت تامین بهداشت روانی در مدارس مدنظر قرار گیرد .

محیط فیزیک مدرسه و بهداشت روانی :

محیطی که در آن دانش آموزان به کسب علم و آموزش مشغولند همچون تمام محیطهای دیگر که بر رفتار فرد موثر است رفتار و سلامت روان آنها را تحت تاثیر قرار می دهد. روشن است محیط فیزیکی مدرسه از جمله شرایط ساختمانی ، نور ، رنگ ، بهداشت محیط در سلامت روان دانش آموزان تاثیر گذار است. از اینرو ضروریست که در جهت ارتقاء بهداشت روانی دانش آموزان تامین شرایط فیزیکی مناسب مورد توجه قرار گیرد و از آنجایی که قسمت عمده ساعات روزانه دانش آموزان در محیط مدرسه می گذرد شرایط نامناسب فیزیکی مثل ناکافی بودن نور ، سیستم گرمایش و سرمایش نامناسب ، امنیت ساختمان و ... بسیار حائز اهمیت است.

بهداشت روانی مسئولین مدرسه:

در تامین بهداشت روانی دانش آموزان ، توجه به بهداشت روانی مسئولین و کارکنان مدارس نیز حائز اهمیت است. علاوه بر تاثیر الگویی مسئولین مدرسه بر رفتار دانش آموزان نوع ارتباطی که با دانش آموزان برقرار



می کنند می توانند سودمند یا بر عکس مغل بهداشت روانی دانش آموزان باشد. از اینرو لازم به نظر می رسد تامین بهداشت روانی مسئولین مدرسه و گزینش افراد سالم مورد توجه قرار گیرد .

نقش مشاور در تامین بهداشت روانی در مدرسه:

مشاور نقطه مرکزی در تامین بهداشت روانی مدرسه به شمار می رود. مشاور با شناسایی عوامل مغل بهداشت روانی و عوامل ارتقا دهنده بهداشت روانی سعی در ایجاد فضایی سالم در مدرسه می نماید. علاوه بر نقش الگودهی ، مشاوره می تواند الگویی برای معلمان دیگر باشد با شناسایی دانش آموزان مشکل دار و کمک به رفع مشکل آنها و شناخت سایر عوامل و با استفاده از امکانات موجود به ارتقای سطح بهداشت روانی مدرسه می پردازد. مشاور معمولاً مورد توجه معلمین و دانش آموزان بوده و اغلب به عنوان ارائه دهنده راه حلهای مفید برای اهداف آموزشی و تربیتی از او یاری جسته می شود. بکارگیری مشاورین فعال گامهای اساسی در بهبود شرایط و فضای روانی مدارس هستند .

توصیه های برای ارتقا بهداشت روانی مدارس:

- ۱ (آگاه سازی مسئولین مدرسه و معلمین در اتخاذ شیوه های ارتباطی و تربیتی مناسب ؛
- ۲ (رفع عوامل مغل بهداشت روانی معلمین ؛
- ۳ (ارتباط مستمر با خانواده دانش آموزان ؛
- ۴ (به روز رسانی اطلاعات و آگاهیهای مشاوران و ارتقای توانمندیها و مهارتهای آنها ؛
- ۵ (بهبود شرایط فیزیکی مدارس ؛
- ۶ (برگزاری جلسات آگاه سازی برای دانش آموزان و در جهت آموزش مهارتهای زندگی ، کنترل استرس و تامین بهداشت.

-دانش آموزان پایه های متعدد تحصیلی، از طبقات گوناگون اجتماع با فرهنگ ها، اعتقادات و آداب و رسوم خاص خانواده های خود به این مکان آموزشی قدم می گذارند. بالطبع شیوه برخورد و رفتار آموزگار و مربی با توجه به روحیات و خلق و خوی آنان، باید متفاوت باشد. مبادی توجه داشت در نظر گرفتن مدرسه تنها به عنوان یک محیط آموزشی با مجموعه ای از قوانین خشک انضباطی و تربیتی نمی تواند در برانگیختن انگیزه کودکان به سوی علم و دانش موثر واقع شود. مدارس همان گونه که در پرورش و شکوفایی استعداد دانش آموزان مهم ترین نقش را ایفا می کنند، در برقراری آرامش روانی، نشاط، سلامت روح و جسم آنان یا برعکس، افسردگی و گوشه گیری آنها نیز دخیل اند. معلمان باید مانند والدین کودک یا حتی مهربان تر از آنان باشند. دانش آموزی

که متعلق به خانواده ای از هم گسیخته است، به یک تکیه گاه و پشتوانه مطمئن نیاز دارد. این چنین کودکی ممکن است به علت احساس فقدان امنیت به آسانی به کسی اطمینان نکند و ناراحتی خود را بروز ندهد. به این ترتیب یا به کودکی افسرده و منزوی تبدیل می شود یا با پرخاشگری و آزار و اذیت اطرافیان بر احساس درونی خویش غلبه می کند. در چنین مواردی فقط یک مربی مهربان، دلسوز و فداکار می تواند با جلب اطمینان کودک به خود، مشکل او را جویا شده و این موجود بی پناه را از سرگردانی، دلهره و اضطراب نجات دهد. محیط مدرسه باید به گونه ای باشد که کودک در آن احساس امنیت کند و با میل و رغبت به آنجا قدم گذارد. باید توجه داشت در نظر گرفتن مدرسه تنها به عنوان یک محیط آموزشی با مجموعه ای از قوانین خشک انضباطی و تربیتی نمی تواند در برانگیختن انگیزه کودکان به سوی علم و دانش موثر واقع شود.

● مدرسه و دانش آموز

دانش آموزان پایه های متعدد تحصیلی از طبقات گوناگون اجتماع با فرهنگ ها، اعتقادات و آداب و رسوم خاص خانواده های خود به این مکان آموزشی قدم می گذارند. بالطبع شیوه برخورد و رفتار آموزگار و مربی با توجه به روحیات و خلق و خوی آنان، باید متفاوت باشد. برای تشویق کودکان به فراگیری علم لازم است اخلاق نیکو و پسندیده نیز در کنار قوانین انضباطی مدرسه گنجانده شود. مهم ترین عاملی که سبب فساد اخلاقی کودک و انحطاط وی می شود، بی توجهی و طرد او از کانون خانواده و محیط مدرسه است. او هنگامی که خود را در میان انبوهی از انسان ها، تنها و بی کس احساس می کند ناگزیر می شود به افرادی روی آورد که برای او ارزش و اهمیتی قایل می شوند. در بیشتر موارد متوسل شدن به گروه های منحط جامعه و باندهای متعدد نتیجه همین سردرگمی و طرد شدگی کودک است. وضع روانی کودک که حاصل تعامل و ارتباط متقابل او با محیط خانواده است، یکی از عوامل تعیین کننده وضع تحصیلی اوست. محیط خانواده چه از نظر اقتصادی و چه از نظر شیوه های تربیتی پدر و مادر، تأثیری انکارناپذیر در چگونگی حالت روانی و درنهایت وضع تحصیلی او خواهد داشت. همه دانش آموزان از وضعیت اقتصادی مشابهی برخوردار نیستند. کودکی که به علت فقر مالی از حداقل امکانات رفاهی برخوردار است، احتمالاً از لحاظ روحی و روانی نیز با مشکل مواجه می شود. بدون شک این امر از جمله مسایلی است که می تواند در افت تحصیلی وی تأثیر داشته باشد (به خصوص کودکانی که برای برطرف کردن احتیاجات خانواده ناگزیرند پس از مدرسه کار هم بکنند).

● رشد کودک، موفقیت تحصیلی

یک جنبه از تفاوت های فردی میان کودکان از حیث عملکرد تحصیلی، تفاوت آنها در رشد طبیعی و متعادل جسمی است. برای مثال چنانچه کودک از لحاظ بعضی جنبه های رشد جسمی عقب افتادگی داشته و یا دارای مشکلاتی باشد، طبیعی است که نمی توان انتظار داشت جریان تحصیلی خود را به طور عادی و طبیعی



طی کند. کودکی که چشم ضعیف یا شنوایی ناقص دارد یا از لحاظ بدنی دچار خستگی زودرس می شود و یا به علت کمبود غذایی از جسم سالمی برخوردار نیست، چگونه می تواند در امر تحصیل فرد موفقی باشد؟ در اینجاست که آموزگاران باید متوجه تفاوت های فردی میان دانش آموزان باشند. پس همان گونه که والدین نباید فرزند خود را با فرزندان دیگرشان یا با سایر کودکان مقایسه کنند، در مدرسه نیز مربیان نباید استعدادهای و قابلیت های دانش آموزی را به دانش آموز دیگر متذکر شوند یا او را ملامت کنند. بعضی از آموزگاران درباره دانش آموزان خود به طور ناصحیح و اشتباه قضاوت می کنند. همان طور که پیش از این نیز یادآوری شد کودکان از خانواده های متعدد با روحیات متفاوت به مدرسه قدم می گذارند. اگر کودکی در درسی ضعیف است یا هنگام بیان مطالب با لکنت زبان مواجه می شود، این امر همیشه دلیل بر عقب ماندگی او نیست. این دسته از کودکان به محبت و رسیدگی بیشتر نیازمندند. به وجود آوردن پیوند دوستی میان آموزگار و دانش آموز موجب می شود که کودک به راحتی مشکل خود را با مربی مطرح کرده و از او راهنمایی بخواهد. میگنا دات آی آر، در این صورت معلم نیز به علت واقف بودن به ناراحتی کودک می تواند در صدد کمک به او برآمده و با تشویق او به درس خواندن و شرکت در فعالیت های درسی او را در زمره شاگردان زرنگ کلاس قرار دهد.

● مشق شب

در محیط کلاس بار درسی شاگردان باید براساس توان و کشش کودکان تنظیم شود. دادن تکالیف سنگین و پر حجم به همه دانش آموزان کلاس به طور مساوی، نتیجه توجه نکردن به تفاوت های فردی کودکان است. بعضی از معلمان معتقدند که دادن تکالیف سنگین درسی به دانش آموزان موجب می شود که آنان بیشتر دقت خود را صرف نوشتن کرده، در نتیجه فرصت کمتری برای بازیگوشی و شیطنت به دست آورند! باید دانست دانش آموزی که بیشتر وقت خود را به نوشتن تکالیف اختصاص می دهد نه تنها از نظر جسمی دچار خستگی می شود بلکه از لحاظ زمانی نیز با کمبود وقت مواجه شده و نمی تواند درس های خود را فرا گیرد. تکالیف درس و مشق شب باید به اندازه ای باشد که کودک ضمن پرداختن به آنها هم مطالب را بیاموزد و هم بتواند به سایر درس هایش رسیدگی کند و فقط برای انجام وظیفه و سلب مسوولیت تن به انجام آن ندهد. از طرفی، بازی و تفریح از جمله نیازهای ضروری کودک است که لازم است اولیا و مربیان گرمی به آن توجه داشته باشند. بعضی از معلمان دوره راهنمایی، علاوه بر درس های کلاسی، تکالیف فوق برنامه نیز به دانش آموزان می دهند. البته این کار برای ارتقا و بالا بردن دانش و فرهنگ شاگردان بسیار موثر است ولی باید در نظر داشت که به سایر درس های آنان لطمه ای وارد نشود. به طور کلی وظیفه یک مربی فقط تدریس و رسیدگی به تکالیف درسی کودکان نیست. زیرا او باید نیمی از شخصیت کودک را نیز شکل دهد.

نتیجه گیری

برای برطرف کردن مشکلات عاطفی و درسی دانش آموزان باید میان والدین کودک و مربیان مدارس، همکاری متقابل وجود داشته باشد. تحقق چنین امری مستلزم انجام اقدامات زیر است: والدین باید وضعیت روحی، اخلاقی و اجتماعی کودک در محیط منزل و سایر محیط های غیر آموزشی دیگر را برای مربی او شرح دهند تا ضمن مطابقت دادن آن با رفتار وی در مدرسه به یک نتیجه کلی دست یابند. اگر بنا به دلایلی مانند از هم گسیختگی خانواده، امکان دسترسی به والدین کودک وجود نداشته باشد، بهتر است پرونده شخصی و محرمانه کودک در اختیار آموزگار قرار داده شود تا ضمن بررسی آن، با مشکلات کودک بهتر و بیشتر آشنا شده و بتواند به او کمک کند. فلسفه تعلیم و تربیت عصر ما با سال های گذشته متفاوت است. به این معنی هدف آموزش و پرورش تنها تعلیم دروس و دیگر مطالب فکری نیست، بلکه پرورش جسم و روان به طور کلی، منظور نظر است. برآوردن احتیاجات جسمانی و اجتماعی روانی کودک قسمت عمده ای از تربیت او را شامل می شود که از عوامل بسیار مهم پرورش کودک است. اگر چه تربیت جسمانی کودک در مدارس از سال ها پیش مقرر شده و امکاناتی در مدارس فراهم آمده، ولی موضوع سلامت فکر اطفال هنوز به شکل صحیح مورد توجه و قبول مدرسه قرار نگرفته و بر اساس این غفلت درباره بهداشت روانی کودک، مدرسه به طور غیرمستقیم در پیشرفت و ازدیاد اختلالات روانی کودکان موثر واقع شده است. باید بپذیریم مسئولیت اولیای مدرسه به پرورش قوای عقلانی و آشنا کردن دانش آموزان به ارزش های شناختی، اجتماعی و اخلاقی خلاصه نمی شود، بلکه اینان مسئول تغییر و اصلاح رفتارهای ناسازگار و تأمین بلوغ فکری و سلامت روانی کودکان و نوجوانان نیز هستند. همچنین توجه مربیان و والدین به این پدیده روانی اجتماعی نه تنها زمینه مساعدی برای شکوفایی استعداد های نهفته کودکان و نوجوانان را فراهم می آورد، بلکه در بهبود سلامت روانی آنها نیز موثر خواهد بود.

منابع

- 1- قائمی ، علی ، (۱۳۷۴) ، «خانواده و نابسامانی های روانی» ، انتشارات امیری.
- 2- اسدی، علی و حسن پور، الهه. (۱۳۹۰). سلامت روان در...
- 3- گنجی، حمزه. (۱۳۹۰). بهداشت روانی (چاپ دوازدهم). تهران: انتشارات ارسباران...
- 4- ناطقی، فائزه و همکاران. (۱۳۹۱)، تاثیر ارزشیابی توصیفی بر پیشرفت...
- 5- یوسفی لویه، مجید. (۱۳۸۵). نکاتی پیرامون بهداشت روانی دانش آموزان. مجله
- 6- شفیعی آبادی ، عبدالله ، (۱۳۷۲) ، «راهنمایی و مشاوره کودک» ، انتشارات تهران.
- 7- احمدوند ، محمدعلی ، (۱۳۷۲) ، « روانشناسی بازی» انتشارات پیام نور.
- 8- حسین نژاد ، محمد ، (۱۳۷۹) ، «مشاوره با کودکان» انتشارات سپند هنر ، تهران.
- 9- خاکیه ، پرویز ، (۱۳۸۷) ، «روانشناسی کودک» انتشارات آشنا ، تبریز.
- 10- احمدوند ، محمدعلی ، مهجور ، سیامک ، (۱۳۸۰) ، «آشنایی با فعالیت های اجتماعی» انتشارات پیام نور
- 11- «ماه نامه رشد آموزش ابتدایی» (۱۳۸۰) ، شماره ۴۱ ، انتشارات کمک آموزشی.